



اسناد منتشر نشده سیاسی
مربوط به
وزارت امور خارجه

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم

از
محمد علی کریمزاده تبریزی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از : محمد علی کریم زاده تبریزی

اسناد منتشر نشده سیاسی

مربوط به

وزارت امور خارجه

سند شماره ۱

رونوشت مذاکرات مجلس دوم امیر کبیر در ارزنته الروم است این سند گویا بخط منشی حضور امیر کبیر میرزا حسن که در آن جلسات بامترجم مخصوص موسی جان حضور داشته و ماقوع را کلمه به کلمه قید و ضبط کرده است میباشد.

بسم الله خير الاسماء

روز گذشته پانزدهم شهر ربیع الثانی که در مجلس مکالمه مامورین دولتین بمیبتن روس وانگریز وعده کرده بودند روز شانزدهم بمنزل سرکار وزیر بیابند حسب الوعه در ساعت چهار از دسته گذشته آمدند بعد از تعارفات رسمی آنها گفتند که چون انور افندی میگوید مادام سرکار وزیر خسارت سلیمانیه را بترضیه تعهد نکند من بکارهای دیگر شروع نمیکنم در صورتیکه شما هم تعهد ترضیه نکنید هر آینه محتاج میشود باینکه مجدداً به اسلامبول و دارالخلافه تهران نوشته شود و این کیفیت طولانی خواهد شد آیا بخاطر شریف شما چه میرسد وزیر گفت اولاً مرا از طولانی شدن سفر باکی نیست چرا که در سر خدمت پادشاه خود هستم چه اینجا چه تبریز چه تهران همه یکسان است یکسال هم اگر خواهد طول بدهد بدهد و ثانیاً بهتر این است قدری از حواشی صحبت بکنیم تا باصل مطلب برسیم که مطلب درست و واضح شود مامورین سکوت کرده گوش دادند وزیر گفت آیا شماها فرمان انور افندی را دیده اید و مضامین آن حالی شما شده است یا نه گفتند نه وزیر گفت او دیروز فرمان همایون مرا ایرادها گرفت و بحثها کرد که جای ایراد و بحث نداشت فوراً مامورین گفتند ماکه دیروز همگی جواب او را دادیم وزیر گفت بلی من در عالم خودم که هستم از

جواب دادن منصفانه شماها هر سه که دیروز گفتید بسیار بسیار رضامندی دارم و چنین میدانم اگر این رضامندی من باولیای دولت علیه ایران که برسد هرآینه از جانب خیریت جوانب ایشان هم رضامندی خاطر خیریت مآثر برای شماها هر سه برسد باز وزیر گفت او در باب فرمان من آنطور کرد اما من در باب فرمان او با وجود اینکه جای بحث زیاد داشت و چنان نبود نفهمیده باشم آنجا که نگفتم هم نخواستم بی احترامی شود و هم نخواستم در مجلس اول برودتی حاصل آید اما حالا هم اگر شماها هم اگر نگوییم البته خیال میکنید که شاید حالا هم نفهمیده ام چنانکه او سواد فرمان مرا به اسلامبول میفرستد من هم سواد فرمان او را بدارم الخلافه تهران خواهم فرستاد و فردا همان سواد نزد جناب غراف مدم و کرونیل شیل خوانده میشود اولاً انصاف بدهید این فقره را که در اول فرمان او نوشته اند جای بحث است یا نه نوشته است که دولت ایران از روی صلح کرده و التماس نموده که من مرخص تعیین بکنم در اضروم مصالحه بکنند آیا صاحب منصبهای دولتهای شماها آمدند قشون ما را قشون آنها را برگرداندند یا ما چاپار فرستاده از صابرها پاشا التماس نمودیم ما مورین گفتند آنها سبک و سیاقی که از دفاتر قدیم دارند کاغذها را از روی آنها مینویسند وزیر گفت نه پری هم قدیم نیستند پانصد سال بیشتر ندارند و لکن دولت ایران هفت هزار ساله است در جواب گفتند خاقان چین با وجود اینکه پول و آفری دارد و ولایاتش از دست رفت باز انگلیس را وقتیکه میخواهد اسم ببرد دولت نمیگوید میگوید این طایفه تربیت نشده وزیر گفت چنانکه امروز افندی هر وقت اسم سلطان را می برد حضرت شاهنشاهی میگفت و هر وقت اسم پادشاه ایران را میخواست بگوید حضرت شاهی میگفت و حال آنکه از قدیم الایام همه میدانند پادشاه ایران قبله عالم و عالمیان است و پادشاه تاجدار اما در فرمان همایون من به بینید بچه توقیر و تعظیم دولتمین

فخیمتین روس و انگریز و دولت علیه روم اسم برده و صلاح جوئی دولتهای شمارا مسطور و مذکور ساخته اند و دیدید من خود هم این طور اطوار اورا هرگز در دل خود مایه کدورت نکرد کمال احترام هم فرمان اورا زیارت کردم و هم وقت ذکر نام نامی سلطان روم تعظیم و تکریم مالا کلام بعمل میاورم همه پسندیده تصدیق کردند دیگر از جمله بحث های وارده بفرمان او این است که مرخصی او منحصر بهمان سه فقره است که اساس و مواد میگوید و بخصوصه سند دادن اورا در باب همان سه فقره نوشته اند اما مرخصی من بمدلول حکم محکم فرمان همایون و تصدیق دولتهای بزرگ شماها انحصار ندارد بلکه عام است هم اختیار مطالبه حقوق ثابتہ دارم که اجراء بعمل آید و هم در مقام جواب دادن مدعیات او حاضرم دیر و زهمان ساعت میتوانستم جوابهای اورا بدهم سکوت اختیار کردم حالا اگر خواسته باشید بشما دوستان خود خواهم گفت گفتند چون این مجلس اسرار است مطالب که اینجا گفته میشود به بیرون نمیروند به انور افندی هم نمیرسد و همچنین از مجلس او هم هر چه بگذرد بیرون نمیاید بشما هم نمیرسد در اینصورت اگر صحبت بفرمائید عیبی ندارد وزیر گفت سه مطلب از برای خود اساس چیده اند که از آن جمله یکی گمرگ تجارتي است و خدارا انصاف بدهید که آیا این فقره دخلی به اساس و مطالب او دارد که داخل مطالب خود نوشته است یا حق بامن است من باید حرف بزنم خواهم گفت بیست و دو سال است که پادشاه بزرگ باهم عهد بسته گمرک تجار را بصد و چهار قرار داده اند تو چرا خلاف عهد کرده زیاده از معمول به گرفته باید هر چه زیاد گرفته بمن رد نمائی بعد از این هم اختیار بدست پادشاه من و رضای پادشاه تو است اگر باین طور که بود باز کماکان عهد بسته پادشاه ایران تجار خود را به آمد و شد مملکت روم اذن خواهد داد و الا قدغن میکند تجارت را از مملکت روم بر میدارند بهر جا خواهند برد می برند و حال آنکه عهد معمولی تجارتي از جانب

دولت علیه ایران شکسته نشده و آنها میخواهند زیاد بگیرند دیگر بمن چه بانگلتره فرانسه و بعض دول متحابه صدونه صد ودوازده گمرک بسته زور که نیست یا دولت علیه ایران سپرده دول متحابه نیست سودا برضا خویش بخوشی این جواب مختصر این فقره اما جواب عشایر واکراد که داخل مطالب خود کرده و اساس نام نهاده بشرح ایضاً عشایر واکراد که عبارت از جلالی و قراپاپاق و سیبکی و حیدرانلو و آیرملو و زیلان و جمادینلو و تکوری و شمسکی و غیر ذلك باشد در همان عهدنامه نوشته است که عشایر ایران است و باید رد نماید مع هذا تصاحب کرده و بدستگیری آنها کرده و ضرر و خسارت بمحالات بلوکات آذربایجان رسانده از نهب مال و قتل نفوس ابقا نکرده اند حتی در همین اقرب زمان حمید بیگ قائم مقام را فرستاده حسین خان زیلان را که نوکر موجب خور قدیمی دولت علیه ایران است فریب داده با ایل واحشام آورده در قارص ساکن کرده چهارده پارچه دهات بناو داده اند این فقره داخل مطالب حقایق من است که برخواسته بمطالبه آمده ام او از برای خود مطلب تراشی میکند و مطالب مرا واهیه می نامد گفتند در باب سلیمانیه چه میگوئی وزیر گفت از شما می پرسم بجهت اینکه من و او مدعی همدیگر هستیم و شماها امنای دولتمهای بزرگ هستید در هر حال انصاف و تصدیق شماها معتبر است آیا از این دو نفر مدعی و مدعی علیه یکی پنجاه بلکه صد مطلب داشته باشد دیگری يك مطلب و آنکه يك مطلب دارد که در جنب يك مطلب جزئی مطلب صاحب مطالب کلیه مستهلك است پیش میافتد یا لا اقل ده بیست فقره مطلب او را جواب شافی میدهد بعد يك مطلب خود را بگوید مضایقه نیست بنده از ده بیست مطلب هم میگذرم چهار مطلب دیگر میگویم جواب آنها را بدهد جواب سلیمانیه را هم بگویم گفتند چهار مطلب یکی کربلا است وزیر گفت استغفر الله

هرگز اسم کربلا میبرم باین زودی که آن هم پنج روز دیگر واهی شود همین که مطلب یکدفعه گفته میشود دفعه دویم اسمش را واهی میگذارند از شما هم توقع دارم اسم کربلا را نبرید اما چهار مطلب یکی ردشاهزادگان فراری یکی خسارت و قتل و فرار دوی والی است یکی ردعشایر موافق عهدنامه دیگر بحسابات گمرک و بد رفتاری با تاجارحالا مثل من و افندی مثل دزد و صاحب خانه است دزد رفت خانه را برید و اموالش را برد وقتیکه از دیوار او پائین میامد افتاد پای اوشکست صاحب خانه را گرفت نزد قاضی برده که بیادیت پای مرا هم بده حالا کدام چیز باقی مانده است که از طرف دولت عثمانیه بر اهالی ایرانیان نکرده که خراب کردن بلاد و قتل نفوس عبادت تجاوز حدود و نهب و غارت اموال و خسارت زیاد و از ما جرای کربلا که حیرت بر همه عالم دست داد مثل آفتاب است نمیتوان زیر گل اندود حالا آمده اند سلیمانیه پیدا کرده اند چه سلیمانیه معنا حضرات مامورین متعیر ظاهرا ساکت شدند و هر چه در این مجلس صحبت میشد موخی ترجمان روس مینوشت آنها پرسیدند که آنها چه میگویند گذشته وزیر گفت حرف انور افندی و شما این است که مطالب تسعه را جواب داده شده و گذشته است و حال آنکه هیچ کدام گذشته است اگر چه من دخیل این کارها نبودم و لکن بعد از آنکه مامور شدم امتای دولت علیه من مرا استحضار داده اند این شوخی نیست کار سلطنت و پادشاهی است ابراز کند سندی را که فلان مطلب موافق همین سند گذشته است یا جواب بدهد این موسی جان ترجمان حاضر هم ترجمان میرزا جعفر خان بود اگر مطلبی گذشته است بگویند بعد ذلك مامورین دو مرتبه از چگونگی گذشتن و نگذشتن کارها پرسیدند وزیر گفت حق مطلب اوقاتیکه صارم افندی بایران آمد و باصفهان رفت که آن اوقات سرکار اقدس شاهنشاهی روحانفاده بسفر اصفهان تشریف فرما بود

امنای دولت علیه در باب مطالب معهوده با صارم افندی گفتگو میکردند حتی در مراجعت به تهران عالیجاه خدادادخان را همراه کردند مکالمه میکردند و صارم افندی مکرر بتوسط جناب غراف که حامل وزیر مختار دولت بهیه روسیه خدمت اجل اکرم حاجی دام اجلاله رسیده چون آنجا نتوانست قرار کار بجائی بگذارد و مدت چهار ماه مهلت خواست که بیاید باسلامبول یادر عرض چهار ماه مطلب را انجام بدهد یا جواب بدهد چنانچه کار او ساخته میشود البته جناب غراف که حامل پایست مستحضر باشد و سندی در میان میگذشت از اوضاع مراجعت عالیجاه میرزا جعفرخان معلوم است که کارها چگونه ساخته شده است و نیز مامورین دومرتبه اظهار از وزیر در باب سلیمانیه جواب خواستند وزیر گفت جواب این فقره را در همین مجلس گفتم نباید فراموش نمائید .

مضمون فرمان او بقراری است که مرخصی او برای سه فقره است و زیاد بر آن اختیاری ندارد مطابق مضمون فرمان خود بجواب مطالب من نمی تواند اقدام بکند اگر بکند هم قبول ندارم مگر اختیار نامه دیگر ابزار نماید در این صورت، مادامیکه مطالب من پرداخته نکرده اند و اجرا نشده و رضامندی نرسیده است چگونه بیک جواب سلیمانیه اقدام میکنم بعد از آنکه با اختیار نامه مجددا باین مقام آمد چه مضایقه در باب سلیمانیه و ادعای او یا جوابی میدهم که هم شماها تصدیق نمائید و هم او ساکت شود والا تعهد ترضه خواهم کرد بنابراین مامورین رفتند بمنزل خودشان بلکه در میان کاغذهای جناب غراف که حامل مشتمل بر این مطالب پیدا نمایند. و بعد از آن بمنزل انور افندی بروند .

بسم الله خير الاسماء

روز گذشته پانزدهم شریع است که در مجلس محله مامورین و زمین بهتین اسکر
و انگریز و عده کچه بعد از وقت نهم نوزاد کار و فریبانید حسب اوعده
ساعت چهار روز دستگرفته آمدند بعد از آن وقت بر آنها نقشه که چون از
افه ز میگیرند ام کار و فریب خازن میمانند را برضیه تعهت کنند فریبکاران دیگر
شروع نیکم در حضور که شما هم تعهت برضیه کنید بر اینه محتاج طوچو بانیکه محمد و بابلیو
و در آن کلامه نوشته شود و این کیفیت طلاله خواهد شد لایحا طر شریف شامچیر
وزیر گفت اولی الامر از طلاله شتران سفر با کیت چلا که در خدمت پادشاه
خوشترم چه اینجا چه برضیه طلاله همه یک است یکدم هم از طول بهر بهر
و بنای بهتر این است خیر از خواست صحبت کنیم تا با صبر مطلب برسیم که مطلب
درت واضح شود مامورین سکوت کوه گارش دادند وزیر گفت لایحا ما فرمان

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

الفداقتہ را دیرہ لید درضامین ان حال نشاستہ است یا نہ لفتہ نہ وزیرکفت
 او دیرد فرماں ہمایوں گلا ایرلو کا کرفت و بختہا کو کہ جا ایرلو و بخت نہت
 فورا ما مورین کفتہ مالہ دیرد ہمسکا جواب اور ادا دیم وزیرکفت بامسرح درعالم خودم
 کہ ہستم از جواب حالن مضمانہ نما ما ہرستہ کہ دیرد لفتیہ بسیار رضامنہ درام
 و چنین میہم الام الاین رضامنہ نہ با دیار حلت علیہ سلینہ کہ برسہ ہر اینہ ازجا
 خیریت جواب ایشان ایشان ہم رضامنہ خاطر خیریت ما نہر سلبہ نما ما ہرستہ برسہ
 باز وزیرکفت او درباب فرماں نہر نظر کو اما فرماں درباب فرماں ادا با وجو سیکہ
 جا بخت زیبا داشت و چنان بگوئیہ ہمہ ہا ہستم انکا کہ لفتہ ہم ہجو ہستم بچہر ہجو
 و ہم ہجو ہستم در مجلس اعلیٰ بردو لہ صلیہ اما حالا ہم الہنا ما ہم الہو بکم الہ
 خلیفہ سلینہ کہ شد حالا ہم لفتیہ ہم چنانکہ او سلو فرماں گلا با سلو سلینہ

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

فرخ هم کلو فرسان او را ابدار کلفه طهران خواهم فرستاد و فردا همان کلو نو خوب
 عراف بدم کرد و نیشید خوانده بنحو ادلا الصاف بر همه این فقرا را که در
 اندر فرسان او نوشته اند جابجاست است یا نه نوشته است که حجت سلیم از روی
 صلح کوه و التماس نموده که فرخ در خص تعیین کنیم در از مردم مصالحه میکنند یا صحت
 منصبها را بهتر شما اندک قتل مارا قتل آنها را بر کوه آنه ز یا یا چا پور نامه
 از صاحب پاشا التماس گویم ما موری کفنه آنها سبک و سیاه که از دفا قریم
 دارند کاغذ را را از دور آنها می نویسد و زیر کفنه بر پریم هم قریم بنویسد یا بفرستد
 بیشتر از آنه و کفنه است بملک فرخه از آنه است در جواب کفنه خاقان حسین با
 صوابی که بعد در فرود لو و دلا یا نش از دست رفت باز نقلی را او قسبه
 بخواب هم اسم بر دست نیلکه میگوید این طایفه تربیت نده و زیر کفنه
 بخواب

چنانکه امروز در دفتر حضرت اسم سلطان بگویند حضرت شایسته سیف و مروقت اسم
 پادشاه ایران بگویند بگویند حضرت شایسته سیف و مروقت اسم که در قریب
 الایام همه میمانند پادشاه ایران قبله عالم و جان است و پادشاه تا میر بر زبان
 نقیض این سخن به پیشین بگویند و قیوم در پیش فحیحی رود و انگیزد و دست
 روم اسم بجه و صلیح بگویند و چهار شمار را مظهر و تذکر است که در دیدید و خواهم
 این مظهر را طرز دارد در آن که در هر سخن بگویند که در دست مظهر صاحب احترام هم فعال
 او سوزن است که در هم وقت ذکر نام نام سلطان روم قیوم و بگویم مالا کلام
 بعصر میادرم همه بسندیه و تصدیق کفخه دیگر از جمله چهار دارد و بفعال او
 بیح است که در مظهر او مظهر بهمان است که باس و
 میگوید و بخصوصه سه دارد او در باب همان است که نوشته

اندام و خضر نیز بدلول حکم حکم فغان همانند و تصریح و تها بزرگ نما، انصار
 ملاز و بلکه عام است هم اختیار مطایبه حقوق ثابتہ دارم کہ اجر و العہد اید ہم
 مقام جواب دلول مدعیات رو حاضر در روز ہفت عت نیوانتم خود ہمار
 اور اید ہم سکوت اختیار کردم حالا در خواستہ باشید بشما در سوال
 خواہم گفت کفایتہ خمیس انجلس اسرار است مطالب کہ اینما کفایتہ مرثودہ
 نیرہو با زرافند ہم نیرسد و ہمچنین از مجلس رو ہم ہر چه بکنزد و بپردن نماید
 بشما ہم نیرسد در ہر صورت در صحبت فرمایند مجلس ہر روز ذکر گفتہ
 مطلب در مجلس خواہ اس چیدہ اند کہ از ان جملہ یا لک تبارت شا
 و ضرر ادا تصاف برہم کہ لای شفقہہ و خلع یا اس مطالب اودار دلہ
 مطالب خود شتہ است یا حق باریت من باید عرف بزم خواہم گفتہ

که پادشاه بزرگ با هم عهد بستند که تا سال صد و چهار فرزند نخواهند داشت و چون خلاف عهد کند
 زیاده از معمول بده گرفته باید هر چه زیاده گرفته بمسزود نماید بعد از این هضم اختیار بدست
 پادشاه شرح در ضمائر پادشاه نوشت که در بنظر آنکه بخواه باز حاکمان عهد بستند پادشاه
 ایملنگ نیز بخوسلا باید داشته مملکت زوم اردن خواهر دلود و الا قد غنم نیکند تبارت
 از مملکت زوم بر میزد از نهر جی خواهنه بود میزند و حال آنکه عهد معمولی تبارت از
 جانب دولت علیه ایملان شکسته شده و آنها میخواهند زیاده بگیرند در عهد پادشاه
 فرشته و بعضی حال متحابه صد و نه صد و چهارده گمرک بسته زود که نیت یا عهد
 ایملنگ سپرده حال متحابه نیت کرد ابرضا خوشتر نوشت این جواب مختصر
 اما جواب عشایر بود اگر گوید داخل مصلحت خود گوید و اس نام نهاله شرح
 و اگر گوید عبارت از جمله و قرابا پاق و سپکا و حیدر انلو و ایر طوز و یلان و
 جارا نیلو

و تلواری و شمشیر و غیر ذلک باشد در همان عهد نامه نوشته است که عتیرا ^{بمطالب}

و باید در دنیا بدست منتهی از صاحب کوه و بدستیار از آنها کرده با ضرر و حرجت ^{بمطالب}

بلوکات لوزیایان رسانده از نسی مال قدر نفوس القانکه از خرد ^{اقرب}

ندان حمیه یک فای مقام را فرستاده حسین فان زیلان که نوکر موجب خود ^{بمطالب}

ایران است فریب دلعه با اید و حشام اقلعه در قارص ^{دعوات}

باو دلعه که این فقرا را خدمت طلب حقیقت است که برخواست ^{سه ام}

او از بلگر خود مطرب تر است میکنه و مطالب جنگی در اید ^{بمطالب}

مسلو و وزیر گفت در شما می رسم بجهت ^{منه}

بزرگ مستی در هر حال لضاف و نصرت شما معتبر است ^{نقد}

و مدخل علیه با پنجاه بلبله مطرب داشته باشد ^{مطلب دارد}

که در جنبین مطلب جلد مطلب صاحب مطالب است ملک است پیش مرافقه با
 ده بیت نقل مطلب اول جواب است فی مینه هر بعد یک مطلب خود لا بگوید مضایقه نیست
 از ده بیت مطلب هم میکند چهار مطلب دیگر میگویم جواب آنها را به هر جواب است
 هم بگویم گفته چهار مطلب که از بلا است وزیر گفت استغفر الله هرگز اسم که بلا عزیزم
 که از نامم بجز در دیر ابر شو همین که مطلب یک دفعه گفته تر شو دفعه دوم اسم آن را در
 میکند از نامم توقع دارم اسم که بلا نیز بر اما چهار مطلب یا در دست هر دو کا
 یا خدایت و قدر وافر در روز است یا در عشق موافق همه نامه دیگر چنان
 گمک و بدر رفتار با تبار حالاً مشغول و افقه مشغول در و صاحب خانه است در
 را بریر و در مویش لا برود و فتنه زردیوز را در بانس مراد اقبال پاراد شکست
 گرفت نوقاضیر میگویم که بیادیت با هم گلامم بره جا که ام خبر باقی مانده است که در

حالت عثمانیه بر امارت ایران گنجه که خراب گون بلاد و قتل نفوس عبادت و صرود و
 اموال و خسارت زیاده در ما جو را که بلا که حیرت بر همه عالم دست دادند اقبال
 مژگان زیر کله اندوخته آمده که سیمیه پیدار که اند چه سیمیه موعض حضرت ما کج
 ساکت نشدند و هر چه در این مجلس صحبت شد موخر تر جان روس عزیزت آنها بر سینه
 میگویند گزشته در زیر کفست حرف انداخته در شما این است که مطالب شکر را جو را طایفه
 و حال آنکه هیچ کدام گزشته است از چه در خیر این کار ما بخوم و دلگرمی از آنکه
 در هیچ فرسخ استغفار بلکه اندر این تر خیریت کار سلطنت و پادشاه است ابراز
 که فلان مطلب موافق همی سنده گزشته است یا جواب به هر این روس جان بر حال
 تر جان میزد جمع حال بود که مطلب گزشته است یا کویر بود لک ما درین و گزشته اند
 گزشتن و گزشتن کار ما پرسیده در زیر کفست حق مطلب اقبال که صادم افندت

و به اصفهان رفت که آن اوقات سرکار آقا سید مرتضی در آنجا فرمودند که اصفهان
 بجوانساری است عید در باب مطالب معهود با صارم آید گفتند که منصفه در برابر حضرت
 عالیجاه ضریح لوفی و همراه کونیه مکالمه میکردند و صارم آید و در توطیای خراب
 که حامد در آنجا رفت بهیچ رسیده خدمت اجداد ارام حرم ارام احلله رسیده
 نوشتند قرار کار با کماله بلزر در مدت چهار ماه مهلت نوشتند که باید تمام
 در عرض چهار ماه مطالب اتمام بهم یا جواب بهم چنانچه کار ادا شد
 خراب عراف که حامد بایست مستقر بنشیند و سند در میان میگردد از او
 مراجعت بجا میرود جعفر خان معلوم است که کار با چندی خدمت و نیز از آن
 در مرتبه اظهار از وزیر در باب سیمانی جواب نوشته و در گفت جواب پیغمبر بود
 مجلس گفتن نباید و بیشتر نایب در مضمون فرمای او بفرار است که در حضر

بجزیره تقریباً دریا که بر آن خستیا در نزد مطابق مضمون همان نحو بجزایب
 مطالب مع غلظت اقرار علیه در طبعه امم همگن در ارم مگر خستیا نامه دیگر از
 در این صورت ما در اینجا مطالب فرود چنانچه منقذ نرد و اجرا شده در همانند
 چگونه نمیکند جوایب سلیمانیه اقرار میکنیم که در آنجا با خستیا نامه همگن و با مقام
 در باب سلیمانیه وارد عمارت او یا جوایب میهم که هم تمام لصله نامه و هم او
 شود و الا تقیه روضه خوانیم کونیا برای ما برین رفته نمیشود حوشان کلمه در میان
 جانب عراق که حامل مشهور برین مطالب میهم از نامه دیگر از آن

سند شماره ۲

سواد کاغذ ترکی و ترجمه فارسی راشد پاشا ناظر امور خارجه دولت عثمانی درباب قرار رفتار مباشرین عثمانی باتبعه ایران درغره ماه رجب سال ۱۲۹۰ می باشد دراین سند مقررات مربوط بجنایت وجنحه طرفین و اصول تجارتي و حقوق عادیه و قوانین صنعت و حرفت و فقره معاملات و سایر اختلافات و دعاوی بوسیله نمایندگان دو دولت تنظیم گردیده است .

متن سند

تبعه ایران که در ممالک عثمانی سکنا دارند بابقای احکام معاهدات که در میان دولت ایران و عثمانی منعقد و موجود است به استثنای فقراتی که در ذیل نوشته می شود و فقراتی که بعد از این باتفاق طرفین قرارداد داده خواهد شد از تمامی معاملات و امتیازاتی که تبعه دول اکمل الوداد بهره مند هستند بهره یاب خواهند بود تبعه ایران که در ممالک عثمانی هستند در تمامی فقرات که متعلق بجنایت وجنحه و قباحت است یکسر و بلاواسطه بقوانین و نظامات عثمانی و ضابطه و محاکم عثمانی تابع خواهند بود دعاوی و اختلافات متعلقه بتجارت و حقوق عادیه که در میان تبعه ایران و تبعه عثمانی ظاهر میشود تماما در محاکم عثمانی فصل و رویت شده احکامی که در این فقرات در ضرر تبعه ایران صادر میشود بتوسط سفارت و کارپردازهای ایران اجرا خواهد شد فقط در صورتیکه از جانب سفارت و کار پردازها اجرا نشود و یا نخواهند اجرا نمایند در آن صورت از جانب مامورین عثمانی اجرا خواهد شد تبعه دولت ایران که در ممالک عثمانی به صنعت و حرفت مشغول باشند در مدتی که مشغول اصنافی هستند

تابع نظامات وقوانین اصنافیه شده رسوم و تکالیفی را که از جانب دولت مقرر گردیده است مجبورا ایفا خواهند کرد در خصوص تصرف املاک تبعه ایران و فقره معاملات ازدواج آنها با تبعه عثمانیه در صورتیکه دولت متبوعه ایشان بخواهد بالاتفاق در این فقرات مقاوله مخصوصه تنظیم خواهد شد تبعه عثمانی که در خاک ایران سکنا و تردد نمایند در حق آنها معامله متقابله اجرا خواهد گردید در باب فقراتی که در فوق نوشته شده است و فروعات آنها و معاملات سایر از روی همین اساسها مقاوله نامه موقتی اگر بخواهند که تنظیم شده با عهدنامه تجارتی امضا بشود بانعقاد آن مقاوله نامه مسارعت خواهد شد لهذا بیان حال را برای تأیید احترامات فایقه وسیله اتخاذ گردید فی غره شهر رجب ۱۲۹۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۳

کتابخانه مدرسه ۱۳۰۵ هجری قمری

دستور دستورالعمل مامورین دولت علیه ایرانیه است که در معاملات جاریه باتبعه و مامورین عثمانیه برطبق آن رفتار خواهند نمود فی شهر شعبان المعظم ۱۳۰۷ اولاً تبعه دولت عثمانی که در ممالک ایران اقامت دارند در همه خصوصات متعلقه بجرم و تقصیر و خطا مستقیماً بنظامات و قوانین مملکت ایران تابع میباشند باین معنی در صورت وقوع یکی از این افعال از تبعه عثمانی هرگاه علنی باشد یعنی در میان کوچه و بازار یکی از رعایای عثمانی مرتکب افعال جزائیه در حق رعیت باشد فوراً از طرف مامورین حفظ امنیت بلد دستگیر و موافق قانون مملکت در حق او رفتار خواهد شد و شه - بندرهای عثمانی ابداً حق مداخله در تحقیقات و مجازات افعال جنایاتی که صریحاً و علناً بوقوع رسیده است ندارند فقط از صدور حکم و چگونگی مجازات در حق جانی لازم است .

بشهبندرهای مزبور اطلاع داده شود در غیر این مقوله جنایات علنیه و شهوده برای معلوم شدن احوال صحیحه تبعه عثمانیه که بجهت نسبت ارتکاب یکی از افعال مذکوره اخذ و توقیف شده است در تحقیقات اولیه یعنی در استنطاق نه در محاکمه حضور شهبندر و یا وکیل شهبندر عثمانی جایز خواهد بود آنهم در صورتیکه خودشان از کیفیت مطلع و حاضر باشند و الا عدم حضور آنها در مجلس استنطاق اسباب تاخیر رسیدگی و بطلان در محاکمه و اجرای مجازات در حق جانی نخواهد بود و در هر صورت لازم است از حکم و قرار مجازات تبعه عثمانی که جرم و تقصیر و خطای او ثابت شده است بمامورین عثمانی آگاهی داده شود - دعاوی و اختلافات متعلقه به تجارت و حقوق عادیه که در میان تبعه ایران و عثمانی اتفاق بیفتد در حکومت محلیه باید رویت و تسویه شود لکن در وقت رسیدگی به

آنگونه دعاوی حاضر داشتن ترجمان از جانب شهیندر جایز است برای اجرای احکام راجعه بتجارت و حقوق که در محکوم علیه بودن تبعه عثمانی صادر میشود رجوع بتوسط شهیندر شده چنانچه بملاحظه مدتی در اجرای احکام مذکوره لازم می آید عدم اجرا یا عدم امکان اجرا از جانب شهیندر معلوم و مشخص شود از طرف مامورین ایران بلاواسطه اجرا خواهد شد در باب منازعات و دعاوی حقوقیه مابین دونفر عثمانی محاکمه و اجرا و مجازات آن بالکلیه عاید مامورین عثمانی است ولی در حین صدور افعال جزائیه میان دونفر عثمانی هرگاه از طرف مامورین حفظ امنیت بلد اخذ و توقیف شده باشند بروفق اظهاراتی که در خصوص تبعیت خودشان مینمایند مخایره باشهیندرخانه شده در صورت تحقق صحت تبعیت آنها به عثمانی بشهیندرخانه تسلیم خواهد شد .

و در این قلیل مواد هرگاه محتاج بمعاونت حکومت محلیه باشد لازمه معاونت بعمل خواهد آمد.

ثانیاً - رعایای عثمانی که در ممالک ایران اقامت دارند هرگاه بخواهند مانند تبعه ایرانیه داخل صنف اصنافی بشوند چون از کافه نظامات و قوانین که در حق عموم اصناف مرعی الاجری است مستفید خواهند شد مادامیکه مشغول حرفت و صناعت میباشند تابع نظامات و قوانین و اصول مذکور شده بدینجهت بتادیه رسوماتی که اصناف تبعه دولت علیه مکلف هستند خواهند شد و در تمام خصوصیات و معاملات متعلقه باصنافی مستقیماً باید بمحاکم و مامورین دولت علیه مراجعت نمایند .

ثالثاً چون امور ترکه تبعه عثمانیه که در ممالک ایران وفات یابند بموجب مقاله نامه راجع به شهیندرخانه های عثمانی است هرگاه از جانب تبعه دولت علیه اقامه دعوائی در باب ترکه شود

در کار گذاریمهای خارجه بطوریکه تا حال معمول بوده است رویت خواهد شد .

رابعاً تبعه عثمانیه که صنعت رسمیه نداشته یممالک محروسه آمد و شد و سیاحت می کنند به نظامات با سپورت (تذکره مرور) و قرائتته مثل تبعه دولت علیه تابع خواهد شد .

خامساً بعض رعایای دولت علیه در اطراف ممالک عثمانی و خصوصاً اگر اذ تبعه ایران بمناسبت شباهت وضع و لباس و زبان با کرد عثمانی در اطنه و ترسوس تذکره عثمانی بدست آورده محض استخلاص خود از جزای شرارت و تقلبات و یار سوم معموله تذکره ادعای تابعیت عثمانی مینمایند و در مراجعت به ایران تذکره عثمانی در دست دارند این قلیل اشخاص و همچنین آنهایی را که از شهبندر خانه های عثمانی در مملکت ایران تحصیل تذکره نموده اند ابدأ نباید به تبعیت عثمانی قبول نمایند و آنها را باید تبعه صحیحه دولت علیه ایران دانسته و اظهارات ماموریت دولت علیه عثمانی را در حق آنها ابدأ قبول نکنند .

سادساً - فقره افلاس تبعه عثمانیه منحصرأ عاید به شهبندر خانه ها است فقط هرگاه طلبکاری چند از تبعه دولت علیه ایران بوده باشد یکی از آنها میتواند بطور وکالت و یا ماموریت از طرف سایر طلب کارهای ایرانی در مجلس افلاس که در شهبندر خانه بجهت تسویه امر افلاس منعقد شده است حضور بهم برساند .

سابعاً - چون تمام فقرات مواد مذکور فوق در ممالک عثمانی بموقع اجرا گذاشته میشود بالطبع در ولایات ممالک ایران نیز کاملاً باید مجری و مخصوصاً در معاملات سایرہ نیز باید بطور اکمل قاعده معامله متقابلہ را رعایت نمود .

محل مهر قوام الدوله

دستور العمل بازرسی دولت علیه ایران است هر چه در این باب میسر باشد
بر طبق آن رفتار خواهد شد نه در این شهر شعبان الحظیم ۱۳۰۲

بسم الله الرحمن الرحیم
اینکه بنده دولت عثمانیه در حالیکه این است و از این در این خصوص تسلیم و تعهد
بنظایر و قوانین مملکت این است چنانچه اینهمه در صورت وقوع یک از این افعال
هرگاه علیه باشد بفروریان که در بدو از یک از عیال عثمانیه که افعال غیر شرعی
فردا در طرف ما بر این خط نیست بلکه در سیکه و موافق قانون مملکت در این
و شنبه در این عیال که این بر خلاف در حقیقت و مجازات افعال جنایت در هر دو
نه در این خط که در حکم دیگر که مجازات در حق جانند است چنانچه در این
در غیر این معقوله جنایات علیه در شمرده بر این عمل شدن احوال و غیره
در کتاب یک از افعال که کرده اند در وقت شهر است در حقیقت اولی
نه در حکم که حضرت شنبه را بدید شنبه عثمانی جان بر این است و هر دو
باشند و الله عدم حضرت آنها در مجلس استفاق بسبب تا خیر سیکه که اطلب
مجازت در حق جان که از این دو در صورت که نه است در حکم در این
در جرم و تقصیر و خطای که ثابت شده است بازرسی عثمانی آگاه باشد دعا
مستحقه مجازت و حقوق عادی که در میان میسر ایران و عثمانی اتفاق میسر
باید دیدت در تیر و حق بکم در وقت رسید که با کفر در عادی حاضر در این

شنبه جایز است بنابر هر حکم در همه بیارت و حقوق هر دو حکم علیه
 بقدر غنائی صادر شود بر وجه بر خط شنبه شده و چنانچه بد خط تمام در هر حکم
 نکرده اند هم بر کبر عدم هر با عدم امکان بعد از انجا نبش شنبه بر حکم شنبه شود
 ما در این باب بدو خط هر از هر شد در باب نجات و دعای حق تعالی
 در فقر غنائی که در هر از هر شد آن با کلیه عاید با این غنائی است و این
 صدر در احوال خیریه میان در فقر غنائی اگر که از طرف ما نیز فقط این
 در وقت شنبه پیشتر بروی چهارم در در فقر غنائی خردان بنام شنبه
 خانه شده در صورت تحقق سعادت آنها بشاید شنبه خانه شنبه
 در هر غیر قید بر کاه کاه محتاج بیاد است حرکت عقیده با شنبه شنبه

بعد از این که

ثانیاً رعایای غنائی در در حکم این است و در هر کاه بنام شنبه
 بقدر این که در هر صنف اضافی شنبه هر که کاف نظایات و در فقر غنائی
 اصناف هر از هر است سفید خردانه شده و در هر کاه شنبه خردانه
 بیامند تا به نظایات و در هر کاه در هر کاه شنبه بنام شنبه
 بقدر است عقیده بر جهت بنام شنبه چون در هر کاه شنبه شنبه

در هر کاه شنبه شنبه
 در هر کاه شنبه شنبه
 در هر کاه شنبه شنبه

این ذات نیز بر حسب تقابل نامہ راج بہینہ خانہ باغ خانہ اہل خانہ
تبعہ دولت علیہ قائمہ در حالہ در باب ترکہ شوہر کار کردار یہاں خیرین

معمول بہت روایت خوار ہے

اولاً تبعہ عثمانیہ در صفت رسیدہ بہر شہتہ بیک محروسہ کردہ و شہر و چمن سکتہ
نظامات باسپرست (شکرہ راج) و قریبہ شدہ تبعہ دولت علیہ خانہ
خاصہ بعض رعایای دولت علیہ در طرف ممالک شہر و محروسہ
تبعہ ہلہ نیز بہت ثبات وضع دیس زبان باک و عینہ در طرف
شکرہ عثمانیہ بہت آکھم ہر تخلص خرد لہ خرد لہ شہرت و لقب
معمولہ شکرہ لہا ترا بہت عثمانیہ بنامہ و در حسب این شکرہ خانہ
دلہ نیز قیصر انص و پھین انہا کہ کہ نہ شہنشاہانہ عثمانیہ در کلہ
تخصیر شکرہ شہر لہ بنامہ بہت عثمانیہ بہر نامہ دانہا را با
علیہ این دانستہ اطہار بہت با ریزہ جہت علیہ عثمانیہ را در انہا ہا
سادہ فقرہ افدین تبعہ عثمانیہ مسخر علیہ شہنشاہانہ
طبیکہ رچہ لہ تبعہ دولت علیہ ایران بہر نامہ یک دانہا بہر لہ لہ
دیہا بہت لہ طرف مہر طبیکہ را ریزہ جہت علیہ شہنشاہانہ

بجہ تیسرے لہر قدسی نغمہ شہرہ آفاق حضرت علامہ پیر
 سابقاً جنم حضرت مولانا کریم الرحمن صاحب مدظلہ العالی کے ہاتھ سے
 درودیات کے اس ایسے نغمہ کا نام ہے جو ہر شخص کو درود میں سادگی اور
 قاعدہ معاصرہ سے ہم آہنگی بخشنے کے لیے تیار کیا گیا ہے۔



صفحہ چہارم سند شماره ۳

پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
 پرتال جامع علوم انسانی